

عنوان مقاله:

مراودات بینا فرهنگی: صورتبندی مفهوم «سخنوری» در ایران سده‌های میانه و مصر باستان (با تکیه بر دو کتاب آموزه‌های پتاح حوتپ و قابوس نامه)

محل انتشار:

دوفصلنامه کهن نامه ادب پارسی، دوره 10، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

داوود عمارتی مقدم - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور

خلاصه مقاله:

پژوهش حاضر، بر آن است تا نشان دهد که برای تدوین اصول بلاغت و سخنوری در جهان اسلام، باید به منابعی جز منابع رسمی بلاغت مراجعه کرد. یکی از این منابع، مجموعه متونی است که به «ادبیات حکمی» یا «اندرزنامه»ها شهرت دارد. برخی از متون متعلق به این ژانر، حاوی اصول بنیادین «بلاغتی» است که بیش از هر چیز خاص موقعیت‌های گفتاری و شفاهی است. در مقاله‌ی حاضر، از طریق مقایسه‌ی کهن‌ترین رساله‌ی بلاغی موجود، یعنی رساله‌ی آموزه‌های پتاح‌حوتپ، و برخی فصول قابوس‌نامه به مثابه‌ی نخستین اندرزنامه-ی فارسی که فصول مستقلی را در باب سخنوری در خود جای داده است، تلاش می‌شود اصول بلاغت شفاهی و گفتار-محور تدوین گردد. این اصول عبارت‌اند از: 1- خاموش ماندن 2- سخن گفتن در زمان مناسب 3- عدم افراط در کاربرد واژگان پرشور و عاطفی 4- سلیس سخن گفتن همراه با تامل فراوان 5- یکی بودن دل و زبان، یا بیان حقیقت. بررسی این اصول، گذشته از نشان دادن تفاوت‌های بنیادین میان بلاغت گفتار-محور و نوشتار-محور، نشان‌دهنده‌ی استقلال بلاغت ایرانی از سنت فن خطابه‌ی یونان و روم باستان نیز هست و همچنین می‌تواند در جهت تدوین اصول بلاغت ایرانی - اعم از شفاهی و مکتوب، و مستقل از اصولی که در درسنامه‌های بلاغی تالیف شده به زبان عربی یافت می‌شود- نیز راه‌گشا باشد.

کلمات کلیدی:

بلاغت ایرانی، بلاغت مصری، بلاغت گفتار-محور، اندرزنامه‌ها، پتاح‌حوتپ، قابوس نامه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1127426>

